



مقام معظم رهبری:

به نخبگی قانع نباشید باید مرزهای دانش را به پیش ببرید

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، دیروز در دیدار جمعی از جوانان نخبه و صاحب مدال در المپیادهای علمی جهانی و همچنین اعضای تیم ملی والیبال جوانان کشور که بر بام قهرمانی جهان ایستادند...

صفحه ۳

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۸ • ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۸ آگوست ۲۰۱۹

تنترها

یک واگذاری فامیلی

صفحه ۴

باهنر:

قبول ندارم اصولگرایان مخالف بر جام بودند

صفحه ۶

خداحافظی دارو بازارز دولتی

صفحه ۱۳

نامه اعتراضی ایران به دبیرکل سازمان ملل درباره تحریم ظریف

صفحه ۱۵

میهمانان «شرق» در روز خبرنگار

محمد رضا عارف، محمد جواد آذری جهرمی
فرید موسوی، محمد خدای و مجید فراهانی

صفحه آخر

فیلمی یک‌دست با داستانی پیچیده

گفت‌وگو با رضا میرکریمی

صفحه ۱۰

حرف اول

تروریسم سفیدپوستان آمریکا؟

اشکبوس طالبی . روان‌شناس مقیم مریلند

بیماران روانی، نژادپرست و تروریست و آدمکش نیستند.

غلنید، جوانی ۲۱ ساله با اسلحه کلاشنیکوف به روی مردم عادی آتش گشود و ۲۱ نفر را به خون غلتاند. از طرف پلیس گزارش شده که ایشان با گروه‌های نژادپرست سفیدپوست در ارتباط بوده ماتم غیر قابل انتظار فرو برد.

روز شنبه شهرکی مرزی در جنوب تگزاس و هم‌رز با کشور مکزیک به‌نام ال‌پاسو به خون غلنید، جوانی ۲۱ ساله با اسلحه کلاشنیکوف به روی مردم عادی آتش گشود و ۲۱ نفر را به خون غلتاند. از طرف پلیس گزارش شده که ایشان با گروه‌های نژادپرست سفیدپوست در ارتباط بوده که اعتقاد داشتند مهاجران، آمریکا را به تصرف درآورده‌اند و باید به مملکت خود برگردند؟! روز بعد یکشنبه در آن‌سوی‌تر آمریکا در شهرک دی‌تان در ایالت اوهایو جوان دیگری با برنامه قبلی با مسلسل به جمعیت در خیابان، آتش گشود و در کمتر از نیم دقیقه ۹ نفر را به گلوله بست و تعداد زیادی‌تر را زخمی کرد که خواهر خودش هم جزء کشته‌شدگان بود. آمریکا بر سر دوراهی مرگ و زندگی - عشق و نفرت- جذب و یا حذف قرار گرفته و باکسازی کشور از نژادها و مذاهب و رنگ‌های دیگر را در سر دارد. رئیس‌جمهور ترامپ، در سخنرانی اخیر خود، نوک تیز حمله و تقصیر را به سوی بی‌صداترین و قربانی‌ترین بخش جامعه، یعنی بیماران روانی، نشانه گرفت و از قبول مسئولیت خودش در گسترش فرهنگ (خودی و ناخودی) - (آمریکایی و غیرآمریکایی) طفره رفت و گناه عمده را به گردن مسگر شوشتری انداخت و اینترنت و وسایل ارتباط جمعی و مشکلات روانی را مقصر دانست و حتی نام شهر آسیب‌دیده (Day town) را به اشتباه شهرک دیگری (Toledo) در ۱۵۰ کیلومتری نام برد. برخلاف تصور، این خشونت‌های کور نژادی و ضدمهاجران، مردم را بیشتر به همبستگی و مقاومت و درخواست برای محدودترکردن فروش سلاح‌های اتوماتیک کشانده و همدلی به مهاجران را بیشتر کرده است؛ تا جایی که باراک اوباما مجبور شد به میدان بیاید و درباره آینده این کشور اعلام خطر کند.

ادامه در صفحه ۲



«شرق» طفره قانون‌گذاران از اجرای قانون را بررسی می‌کند

حقوق مخفی مجلسیان

صفحه ۵



صفحه ۲

سرنوشت چهره‌های دولتی در میراث

به مناسبت تصویب تشکیل وزارتخانه میراث فرهنگی

یادداشت

مخالفت دولت با وزارت میراث؟

نفت خام به زمین و زمان می‌زند، به‌هیچ‌عنوان توسعه‌گردشگری و صنایع دستی و حفظ و احیا و بهره‌برداری از میراث فرهنگی کشور را در اولویت قرار ندادند. در این موضوع تاکنون به چند معاون محترم پارلمانی رئیس‌جمهور و برخی مقامات بسنده شده؛ به‌گونه‌ای‌که می‌توان گفت تاکنون هیچ برنامه و اقدام مؤثر و معناداری که با آینده‌نگری مبتنی بر کارشناسی به پیشرفت امور گردشگری کمک کند، ارائه نشده است. در سه سال اخیر حرکات نمایشی، برنامه‌های عوامانه و ناشیانه مثل تأکید بیش از حد بر «بوم‌گردی» و ارائه آمارهای غلط و بی‌محتوا بیش‌ازپیش رونق یافته است. برای تحقق اهداف و توسعه گردشگری و دستیابی به کارکردهای تحول‌آفرین آن استفاده از امکانات قانونی، مادی و انسانی موجود و اصلاح ساختار اداری و مدیریت این صنعت مهم و فرابخشی ضروری است. ناکارآمدی و ناهمخوانی اهداف و مأموریت سه‌گانه برای یک سازمان و استفاده نامناسب و ناشیانه دولت‌ها از این سازمان به‌عنوان حیاط‌خلوت سیاسی و خانوادگی در دو دهه گذشته و به‌ویژه در دولت تدبیر و امید به اثبات رسیده است.

معاون محترم رئیس‌جمهور و به قول ایشان هیئت دولت که مخالف تشکیل وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هستند، بهتر است به جای مخالفت با این مصوبه خوب و تخصصی مجلس که تبدیل به قانون نیز شده است، از آن استقبال کنند و به بی‌برنامگی، بی‌تدبیری در امور این صنعت مهم و راهبردی پایان دهند و به جای تلاش بیهوده برای نواختن سرن از سر گشاد آن، این قانون را مهربانانه در دست بگیرند و تلاش کنند با برنامه و مدیریت لازم، فرصت‌های ازدست‌داده و گذشته نامناسب را اندکی جبران کنند. در گام اول ضرورت دارد معاون پارلمانی و هیئت دولت که مشتاقان‌اند در امور گردشگری اظهارنظر کنند، به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهند:

۱. چرا تاکنون به نظرات و پیشنهادهای تخصصی و حرفه‌ای متخصصان صنعت گردشگری و مدیران بخش خصوصی که اتفاقاً تشکیل وزارت کمترین آن پیشنهادها بوده و به روش‌های مختلف به دولت و سازمان میراث فرهنگی ارائه شده، توجه نشده است و سازمان به جای مدیریت و آینده‌نگری در تراز مطالبات مردم، جاذبه‌های کم‌ظنیر و استعداد کشور-موزه ایران، همچنان در نابسامانی، روزمرگی و مشکلات اولیه غرق شده است؟

ابراهیم‌بای سلامی
عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری



سرانجام مجلس موفق شد با وجود مخالفت‌ها و کارشکنی‌های برخی مقامات دولتی پس از چهار بار رای‌گیری تشکیل وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را به‌عنوان یک امر مثبت در کارنامه خود ثبت کند. معاون محترم پارلمانی رئیس‌جمهور با این مصوبه مخالفت کرده و اظهار کرده که «پیشنهاد این وزارتخانه در قالب طرح از سوی نمایندگان مطرح شد و هیئت دولت مکرر با تشکیل این وزارتخانه مخالف بوده است». او بار مالی و مغایرت با اصل کوچک‌سازی ساختار دولت را بهانه قرار داده و می‌گوید در شرایط فعلی اولویت دولت دوازدهم «تشکیل وزارت بازرگانی» است و برای مقابله با اقدامات خصمانه آمریکا ضرورت دارد حوزه تجارت الکترونیک و خدمات تجاری در راستای اشتغال بیشتر فعال شود و تنها راه آن «تشکیل وزارت بازرگانی» است. نقد این نظرات ابتدایی دشوار نیست. ترجیح اولویت بازرگانی بر صنعت گردشگری که یکی از کارکردهای آن توسعه بهینه صادرات و ارزآوری مبتنی بر مشارکت جامعه محلی است و آگاهی از ضرب تکاثر چندبازبری ارزش هر ارز و دلار ناشی از گردشگری بر امور تجاری احتیاج به استدلال ندارد. کارکردهای صنعت گردشگری برای افزایش درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، عدالت‌گستری، کاهش شکاف طبقاتی، فقرزدایی، حفظ محیط زیست و پایداری غیر قابل مقایسه با دیگر صنایع است.

توسعه گردشگری مستلزم دانش و شناخت عمیق، سیاست‌گذاری، ارائه راهبر، برنامه‌ریزی و مدیریت تخصصی است. اکنون گردشگری با اولویت بالا در دستور کار اکثر کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گرفته است. متأسفانه دولت تدبیر و امید با مدیریت ضعیف فرصت‌های بسیاری را که برای توسعه گردشگری به وجود آمد، از بین برد و تیم اقتصادی و دیگر مدیران دولت که برای صدور

یادداشت

شهر و خبرنگار

افکار عمومی نسبت به مدیریت شهری شود و این خبرنگار است که می‌تواند فعالیت‌ها و خدمات مدیریت شهری را صادقانه و بی‌کم‌وکاست در اختیار مردم به‌عنوان شهروندان فعال و مشارکت‌جوی شهرها قرار دهد.

شهروندان به‌عنوان افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند و هدف مدیریت شهری دستیابی به رضایت آنان است، باید اطلاعات مربوط به فعالیت‌ها و خدمات انجام‌شده را در اختیار داشته باشند؛ اما نکته اصلی این است که این رسانه‌های آزاد و مستقل هستند که می‌توانند این خدمات و اطلاعات را برای قضاوت در اختیار آنها قرار دهند. در واقع رسانه‌ها با گردش اطلاعات و آگاهی‌ها و زمینه‌سازی مناسب برای افزایش ظرفیت مشارکت شهروندان در تحقق اهداف مدیریت شهری نقش بسزایی دارند و همین ایجاد اطمینان و اعتماد به خبرنگاران می‌تواند عاملی برای توسعه هرچه‌بهرتر شهرها باشد. این موضوع نه یک شعار که حقیقتی می‌پردازم؛ موضوعی مهم و تأمل‌برانگیز که کمتر به آن توجه کرده‌ایم و گاه خیلی آسان از کنار آن می‌گذریم.

یکی از ابزارهای تحقق مشارکت شهروندان در عرصه مدیریت شهری، آگاهی‌بخشی است؛ آگاهی‌بخشی هم حاصل نمی‌شود مگر با بسترسازی و فرهنگ‌سازی و به تبع آن آموزش جامعه. در آموزش جامعه و فرایند مشارکت‌پذیری مردم در اداره امور شهر، آن چیزی که بیش از همه مهم است، رسانه است، زمین‌روز رسانه به‌دلیل دخالت‌دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و مجهزکردن آنها به دانش و مهارت مورد نیاز در اداره امور شهرها، بیش از سایر عوامل و فاکتورها نقش ایفا می‌کند.

عملکرد رسانه‌ها نسبت به اتفاقات و مسائل حوزه شهر، از یک سو منعکس‌کننده نیازها و تقاضاهای مطالبات مردم است و از دیگر سو عامل اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجام‌شده از سوی مدیریت شهری که باعث آگاهی مردم از این فعالیت‌ها، استفاده از خدمات ارائه‌شده یا مشارکت در آنها می‌شود. همین رابطه دوسویه هم هست که ارتباط مستقیمی با مقوله توسعه شهری و به تبع آن توسعه همه‌جانبه جوامع دارد و آنچه نبض از رابطه دوسویه است، خبرنگار است. خبرنگار است که مدیریت شهری را نسبت به اصلاح امور آگاه می‌کند و صدای شهروندان می‌شود. خبرنگار است که مدیریت شهری را نسبت به مسائل، آسیب‌ها و مسائل خرد و کلان شهرها آگاه می‌کند و زمینه‌ای می‌شود برای اداره بهتر شهر، خبرنگار است که می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد یا بی‌اعتمادی

برزین ضرغامی
مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران



امروز در تقویم رسمی کشور، روز خبرنگار نام‌گذاری شده است؛ روزی که در کنار تجلیل از مقام خبرنگاران، باید روزی برای تأمل باشد. روزی که باید در آن به این پرسش مهم پاسخ دهیم که در عصری که به نام عصر ارتباطات نام‌گذاری شده است و در زمانه‌ای که شبکه‌های اجتماعی از یک سو و رسانه‌های رسمی از سوی دیگر، سپهر رسانه‌ای ما را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند، خبرنگاران به‌عنوان تولید، توزیع و منتشرکنندگان آگاهی در کشور، چه جایگاه و نقشی در اجزای تصمیم‌گیری کشور دارند؟ من از بحث کلان این موضوع می‌گذرم و به جایگاه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در مدیریت شهری می‌پردازم؛ موضوعی مهم و تأمل‌برانگیز که کمتر به آن توجه کرده‌ایم و گاه خیلی آسان از کنار آن می‌گذریم.

یکی از ابزارهای تحقق مشارکت شهروندان در عرصه مدیریت شهری، آگاهی‌بخشی است؛ آگاهی‌بخشی هم حاصل نمی‌شود مگر با بسترسازی و فرهنگ‌سازی و به تبع آن آموزش جامعه و فرایند مشارکت‌پذیری مردم در اداره امور شهر، آن چیزی که بیش از همه مهم است، رسانه است، زمین‌روز رسانه به‌دلیل دخالت‌دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و مجهزکردن آنها به دانش و مهارت مورد نیاز در اداره امور شهرها، بیش از سایر عوامل و فاکتورها نقش ایفا می‌کند.

عملکرد رسانه‌ها نسبت به اتفاقات و مسائل حوزه شهر، از یک سو منعکس‌کننده نیازها و تقاضاهای مطالبات مردم است و از دیگر سو عامل اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجام‌شده از سوی مدیریت شهری که باعث آگاهی مردم از این فعالیت‌ها، استفاده از خدمات ارائه‌شده یا مشارکت در آنها می‌شود. همین رابطه دوسویه هم هست که ارتباط مستقیمی با مقوله توسعه شهری و به تبع آن توسعه همه‌جانبه جوامع دارد و آنچه نبض از رابطه دوسویه است، خبرنگار است. خبرنگار است که مدیریت شهری را نسبت به اصلاح امور آگاه می‌کند و صدای شهروندان می‌شود. خبرنگار است که مدیریت شهری را نسبت به مسائل، آسیب‌ها و مسائل خرد و کلان شهرها آگاه می‌کند و زمینه‌ای می‌شود برای اداره بهتر شهر، خبرنگار است که می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد یا بی‌اعتمادی

رئیس‌جمهور در جمع خبرنگاران:

رسانه‌ها بدون لکت نقص‌ها را بیان‌کنند

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری یک روز مانده به روز خبرنگار، پس پایان جلسه هیئت‌وزیران به میان خبرنگاران در حیاط دولت آمد و ضمن تبریک روز خبرنگار با آنان به یادگار عکس گرفت. حسن روحانی همچنین در سخنانی...

صفحه ۶

سال شانزدهم • شماره ۳۴۹۶ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

بزرگداشت روزنامه‌نگاران در احقاق حقوق آنهاست

کامبیز نوروزی



در هفدهم مردادماه که روز خبرنگار است، همه به تعریف و تمجید از روزنامه‌نگاران و شاغلان رسانه‌ها زبان می‌گشایند و قلم می‌فرسایند. از ارج و قرب این حرفه می‌گویند و حرمت‌های فراوان می‌گذارند. حدیث مکرر ملال‌آوری است که سالی یک روز اتفاق می‌افتد و نه اعتباری می‌آورد، نه ارزشی می‌آفریند. برای فهم صدق و راستی این نوع گفتارها کافی است مروری کنیم بر مسئله‌های قانونی و عملی که بر این حرفه حاکم است و کسی از اصحاب قدرت، دستی برای حل آنها نمی‌جنباند:

۱- طبق قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ برای انتشار مطبوعات باید مجوز دریافت کرد. در اصلاحیه سال ۱۳۷۵ شرایط اخذ مجوز انتشار بسیار سخت‌تر شد؛ دولت نه تنها هیچ اقدامی برای تغییر این مقررات سختگیرانه نکرده است، بلکه در لایحه‌ای که سال گذشته به مجلس تقدیم کرد باز هم بر لزوم اخذ مجوز برای انتشار مطبوعات تأکید کرد. این در حالی است که تغییرات گسترده تکنولوژی ارتباطات کاری کرده است که هرکس می‌تواند به‌سادگی در فضای مجازی حاضر شده و مطالب خود را با تعداد زیاد مخاطبان در مقیاس‌های میلیونی در میان بگذارد. نظام اخذ پروانه برای انتشار مطبوعات و شروع به کار خبرنگاری‌ها، دیگر نه فقط مغایر با حقوق اساسی ملت است، بلکه با درنظرگرفتن تکنولوژی این سال‌ها غیرعقلانی است.

۲- ابتدا دولت و بعد بعضی نمایندگان پا را فراتر از این گذاشته، با طرح مغشوش و مردودی به نام طرح سازمان نظام رسانه (روزنامه‌نگاری) در قالب یک سازمان کاملاً دولت‌ساخته چنین پیش‌بینی کرده‌اند که برای کار روزنامه‌نگاری هم باید مجوز گرفته شود. یعنی فقط کسانی می‌توانند روزنامه‌نگار شوند و از حقوق قانونی این حرفه استفاده کنند که مجوزی به نام کارت هویت حرفه‌ای گرفته باشند. این سختگیری‌ها و محدودیت‌ها در تاریخ مطبوعات ایران بی‌سابقه است.

۳- شرایط اقتصاد مطبوعات و شرایط نظام اداری-مالی مطبوعات و خبرنگاری‌ها به‌شدت آشفته و به‌هم‌ریخته است. دولت هیچ برنامه‌ای برای حل بحران اقتصاد مطبوعات ارائه نداده است که در آن به ریشه‌یابی و تحلیل مشکلات فضای رسانه‌ای کشور پرداخته و برای آن راه‌حلی ارائه داده باشد. اغراق نیست اگر گفته شود دولت نه تنها برنامه‌ای برای مسائل مطبوعات و خبرنگاری‌ها ندارد، بلکه دغدغه آن را نیز نداشته است. شرایط نامساعد اقتصاد مطبوعات و خبرنگاری‌ها مستقیماً بر حقوق و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران اثر منفی می‌گذارد. مزد روزنامه‌نگاران اندک است، بسیاری از آنها بیمه ندارند و اخراج و بی‌کارکردن آنها به‌سادگی ممکن است رخ بدهد.

۴- توقیف و لغو امتیاز مطبوعات همچنان ادامه دارد. شدت و سرعتی که در برخورد با مطبوعات و خبرنگاری‌ها وجود دارد، در سنگین‌ترین پرونده‌های فساد مالی نیز کمتر وجود دارد. نشریه یا خبرنگاری با تصمیم هیئت نظارت بر مطبوعات، حتی بدون حضور صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه یا خبرنگاری توقیف و لغو امتیاز می‌شود یا در دادسرا با صدور قرار، نشریه‌ای یا یک خبرنگاری توقیف می‌شود. توقیف یک نشریه یا خبرنگاری به‌منزله بی‌کارشدن ده‌ها روزنامه‌نگار است و مختل‌شدن ساده‌ترین معیشت آنها.

۵- بازداشت روزنامه‌نگاران اگرچه کاهش یافته است، اما همچنان اتفاق می‌افتد. این نگرانی همچنان بر کار روزنامه‌نگاران سایه می‌افکند.

۶- کسب خبر برای روزنامه‌نگاران دشوار شده است. روزنامه‌نگاران به‌سختی می‌توانند خبرهای مهم را به دست آورند و برای انتشار آنها نیز مشکلات زیادی دارند. اگرچه فضای مجازی، به محیطی برای جوان غیرحرفه‌ای و گاه خلاف اخلاق است، اما اگر انتشار اطلاعات به تأکیر در فضای مجازی فزونی یافته است و همین امر موجب ترک‌خوردن انحصار اطلاعات شده است، نمی‌توان آن را ناشی از یک سیاست عمومی و حاکم دانست.

۷- امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با مشکلات زیادی روبه‌رو است.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۲